



بررسی رئالیسم و ناتورالیسم در اشعار سیمین بهبهانی و نقاشی معاصر ایران

اعظم لرنی^۱ ID، ناهید اکبری^۲ ID، ابراهیم ابراهیم تبار^۳ ID، حسین علی پاشا پسندی^۴ ID

^۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران، Azamlarni8@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران، AkbarinahidV3@gmail.com

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران، Ebrahimitabar_bora@yahoo.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران، Pasha_ha@yahoo.com

چکیده

سیمین بهبهانی از جمله شاعران معاصر است که شعرش از همان آغاز شاعری صبغه‌ای واقع‌گرایانه داشت و به واقعیات تلخ، غم‌انگیز و حتی نفرت‌آور اجتماع توجه نشان می‌داد. با نگاهی به سروده‌های او در مجموعه‌های «جای پا»، «چلچراغ»، «مرمر» و «رستاخیز» به روشنی می‌توان دریافت که در همه این آثار او تلاش می‌کند تا واقعیت را به تصویر بکشد. از این‌رو، شعر سیمین نمایان‌گر مؤلفه‌ها و نمودهای همه‌جانبه آثار رئالیستی و ناتورالیستی است. لذا پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی به بررسی این موضوع در شعر بهبهانی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حضور شخصیت‌های رئال و واقعی در شعر او (مانند: روسپی، دلکک، گورکن، جیب‌بر، کارگر، کارمند و مردم فقیر)، زنان، دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی زندگی آنان، فقر در جامعه و رنج‌ها و دردهای مردمان، همچنین به‌کارگیری زبان عامیانه که موجب سادگی و روانی زبان شعری سیمین شده، از جمله ویژگی‌های رئالیستی در آثار اوست. از سوی دیگر، رئالیسم و ناتورالیسم در نقاشی معاصر ایران نیز نمود واضحی دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی رئالیسم و ناتورالیسم در شعر سیمین بهبهانی

۲. بررسی رئالیسم و ناتورالیسم در نقاشی معاصر ایران.

سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های رئالیستی و ناتورالیستی چگونه در اشعار سیمین بهبهانی جلوه‌گر شده است؟

۲. رئالیسم و ناتورالیسم در نقاشی معاصر ایران چگونه بازتاب یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۳

دوره ۲۱

صفحه ۵۹۶ الی ۶۱۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

سیمین بهبهانی،

رئالیسم،

ناتورالیسم،

مسائل زنان،

نقاشی معاصر.

ارجاع به این مقاله

لرنی، اعظم، اکبری، ناهید، ابراهیم تبار،

ابراهیم، & پاشا پسندی، حسینعلی.

(۱۴۰۳). بررسی رئالیسم و ناتورالیسم در

اشعار سیمین بهبهانی و نقاشی معاصر

ایران. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۳)،

۵۹۶-۶۱۷.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ***/



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۳.۴۱۵۶۶۹.۲۲۸۷

مقدمه

سیمین بهبهانی یکی از شاعران معاصر فارسی است که در غزل نو صاحب سبک است. اینکه غزل دیرپاترین و در عین حال «وزین‌ترین قالب» شعری شاعران ایران است، تردیدی نیست. نگاهی به گذشته ادبی ایران، نمایانگر این حقیقت است که غزل معرف احساسات، عواطف، رقت قلب قوم ایرانی است. قصیده نماد عقلانیت و غزل نماد و رمز احساسات ملت ایران است. با ظهور نیما یوشیج و تحول شکل و ساختار در حوزه ادب فارسی، قصیده، به یکباره ارزش خود را از دست داد. در واقع، بهار را آخرین شاعر در حوزه قصیده می‌توان به حساب آورد. اما غزل همچنان به راه خود ادامه داد و علاوه بر بیان احساسات و عواطف عاشقانه شاعر، به بیان آمال، آرمان و تأملات سیاسی اجتماعی ملت ایران نیز پرداخت؛ کاری که در قرن هشتم حافظ بزرگ بنیانگذار آن بود.

حافظ اولین شاعر ایرانی است که در قالب غزل هم احساسات عاشقانه و عارفانه خود را بیان کرده و هم به بیان دیدگاه‌های فکری، فرهنگی و مذهبی خود اهتمام ورزیده است. یکی از مشخصه‌های شعر معاصر آوردن توصیف واقعیات اجتماعی در بطن شعر است. در دوره معاصر هنر می‌خواهد که زیبایی را و زشتی را از اجتماع روزمره نشان دهد. شاعران معاصر ایران نیز از این امر مستثنی نشدند. ایشان مضامین و واقعیات اجتماعی را وارد شعر خویش کردند. غزل‌های سیمین بهبهانی نیز، به‌ویژه در دوره دوم شاعری او، غزل‌هایی با مضامین انسانی و اجتماعی هستند. در واقع، همین غزل‌هاست که او را شاعری صاحب سبک و سخنوری مبدع معرفی کرده است. باتوجه به همین نکته یعنی انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی در شعر سیمین، آنچه به ذهن می‌رسد این است که بررسی شعر او از نظر ظهور و بروز واقعیات اجتماع بسیار درخور توجه و تأمل است و لذا مطالعه شعر سیمین از نظرگاه یکی از مکاتب مهم نقد ادبی یعنی رئالیسم و ناتورالیسم، درچه‌های جدیدی را به سوی شناخت بیشتر ذهن و زبان سیمین می‌گشاید و مخاطبان را بیشتر با این شاعر برجسته و تأثیرگذار شعر معاصر آشنا می‌کند. پیگیری این دو مکتب در نقاشی معاصر ایران نیز می‌تواند به نوعی میزان رواج این سبک‌ها در این مقطع تاریخی را آشکار سازد.

رئال^۱ در لغت به معنای واقعیت است و رئالیسم یعنی واقع‌نمایی. رئالیسم، مکتبی ادبی-هنری است که در اواسط قرن نوزدهم میلادی، یعنی در فاصله سال‌های ۱۸۵۰ - ۱۸۸۰ در اروپا و آمریکا رواج یافت. این مکتب عکس‌العملی بود در مقابل مکتب رمانتیک. رمانتیک، مکتبی درون‌گرا و ذهنی بود که برای فرار از واقعیت اکنون، به دنیای گذشته پناه می‌برد که البته این دنیای ساختگی غالباً مبنای واقعی نداشت؛ اما رئالیسم، مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان واقعیات‌های جامعه تأکید بسیار داشت و معتقد بود که آثار متکلفانه و دیرفهم مکتب‌های رمانتیسیسم و کلاسیسیسم راه به جایی نمی‌برد و برای نشان‌دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی‌پیرایه و ساده را برگزید. رئالیسم یعنی اصالت واقعیت خارجی. این مکتب به وجود جهان خارج و مستقل از ادراک انسان، قائل است. ایده‌آلیست‌ها همه موجودات و آنچه را که در این جهان درک می‌کنیم، تصورات ذهنی و وابسته به ذهن شخص می‌دانند و معتقدند که

^۱ Real

اگر من که همه چیز را ادراک می‌کنم نباشم، دیگر نمی‌توانم بگویم که چیزی هست. درحالی‌که بنابر نظر و عقیده رئالیستی، اگر ما انسان‌ها از بین برویم، باز هم جهان خارج وجود خواهد داشت. به‌طور کلی یک رئالیست، موجودات جهان خارج را واقعی و دارای وجود مستقل از ذهن خود می‌داند.

در پیوندی که میان آثار هنری و ادبی با اجتماع وجود دارد، بیان می‌شود که این آثار ادبی آینه تمام‌نمای حوادث اجتماعی است که هنرمند با به‌کارگیری عنصر عاطفه و خیال، تصویری هنری‌تر و جالب‌تر از اوضاع اجتماعی را ارائه می‌دهد. گاهی مواقع اثر ادبی بازتاب ایجابی وضعیت بیرونی جامعه است و گاهی بازتاب سلبی دارد که به انتقاد و اعتراض نسبت به وضعیت جامعه می‌پردازد (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۹۶). شعر معاصر به‌تبع شعر دوره مشروطه که تحت‌تأثیر اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه، وارد حوزه زندگی مردم شده بود، ادبیات اعتراضی و انتقادی را شکل داد و خصیصه اصلی آن جامعه‌گرایی و واقع‌گرایی بود. شاعران معاصر به‌علت حضور همه‌جانبه در اجتماع با دیدی بازتر به طرح مسائل و رویدادهای گوناگون می‌پردازند و آثاری خلق می‌کنند که از اجتماع تأثیر پذیرفته است. اغلب شاعران معاصر هم به‌عنوان نویسندگان رئالیسم به‌خوبی توانسته‌اند فقر و مشکلات مردم و مبارزه آنان را برای ادامه زندگی در شعر بیان کنند و به تصویر بکشند. سیمین بهبهانی یکی از همین شاعران معاصر است که دغدغه‌های مردم و اجتماع در اشعار او انعکاس یافته است.

۱. سیمین بهبهانی

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (۱۳۰۶-۱۳۹۳) نویسنده و غزل‌سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود. او در طول زندگی‌اش بیش از ۶۰۰ غزل سرود که در ۲۰ کتاب منتشر شده‌اند. شعرهای سیمین بهبهانی موضوعاتی همچون عشق به وطن، زلزله، انقلاب، جنگ، فقر، تن‌فروشی، آزادی بیان و حقوق برابر برای زنان را دربر می‌گیرند. بهبهانی از جمله غزل‌سرایان نوگرایی است که ضمن تأثیرپذیری از جریان‌های شعر معاصر، ادبیات سنتی را مایه‌بخش ادبیات مدرن می‌داند و معتقد است «شعر سنتی درختی کهن است و شعر نو، نهالی جوان که از هسته درخت کهن می‌روید، همان است و همان نیست، قطع رابطه با زبان دیروز، ناممکن است، اما تغییر و هنجارآفرینی و بدعت‌گذاری در آن ناگزیر (بهبهانی، ۱۳۷۸).

شعر بهبهانی آینه‌ای برای انعکاس مشکلات و دردهای مردمی است که در اطراف او وجود دارند. «او نمی‌تواند بی تفاوت و بی‌اعتنا از چنین مسائلی بگذرد و شعرش را به شعور اجتماعی تبدیل نکند. شاعر زاده شعر است و آشنا با مسائل شهرنشینی، بنابراین، مخاطبان اصلی او، همین طبقات محروم و فقیر هستند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است. از مفاهیم اصلی اشعار نخستین سیمین بهبهانی است. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز همچون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه‌حل نمی‌رسد. اگرچه به مضامین متنوع و جدید، چون زندگی کارمندی، خودفروشی، روسپی‌گری، مهاجرت روستایی، دوره‌گردی، ولگردی، طلاق، جیب‌بری، کارگری و ... اشاره شده است» (حسن‌لی و حیدری، ۱۳۸۵: ۸۹). مسائل زودگذر اجتماعی

در شعر بهبهانی زمینه‌های تحول و تکامل خود را آماده می‌کند و جای خود را به مسائل و مضامین جدی‌تری می‌دهد. از جمله فقر و بدبختی، که یکی از مضامین اجتماعی مهم در اشعار اوست.

شعر روایی سیمین غالباً جنبه رئالیستی دارد و بنیادش براساس سیر همجواری حادثه‌هاست. این روایت‌ها خودش دو گونه است. یا حادثه‌ای را بیان می‌کند یا بیان گفت‌وگوست که البته در ادبیات ما سابقه دارد. در این گونه اشعار سیمین وارد فضای سیاسی و اجتماعی می‌شود: «شکسته‌بال و خونین پر، پیر پیر کبوتر جان/ فضای قیل و وحشت را بدر بدر کبوتر جان».

اما در باب ناتورالیسم در شعر بهبهانی باید گفت واقعیت عریان زندگی و فقر و محرومیت به روشنی در شعر او بازتاب یافته است. همان‌طور که می‌دانیم موضوع آثار ناتورالیستی بیشتر به طبقات متوسط و پایین جامعه و انسان‌های عادی و جنبه‌های مختلف طرز زندگی کارگران، صنعت‌گران، زنان روسپی، ولگردهای خیابانی و به نفرت‌انگیزترین جنبه‌های زندگی آنان پرداخته می‌شود. در واقع، ناتورالیسم به اوضاع و احوال مردمی علاقمند است که تا آن زمان برای کارهای هنری قابل توجه نبودند. به هر حال ناتورالیست‌ها بسیار بیشتر از گذشتگان خود به موضوع فقر و محرومیت و نکبت پرداختند (فورست و اسکرین، ۱۳۹۴: ۵۹). موجوداتی تحت سیطره وراثت و محیط و فشارهای لحظه. این شاعر ارزنده از بی‌عدالتی‌ها و اوضاع نابسامان جامعه به شدت انتقاد می‌کند بنابراین می‌توان آثار وی را در زمره آثاری به‌شمار آورد که ناتورالیسم و نیز رئالیسم انتقادی در آن‌ها برجسته است. اینکه نویسندگان رئالیسم و ناتورالیسم به مسائلی مانند فقر، فساد، بی‌عدالتی طبقاتی و مبارزات فرودستان جامعه توجه می‌کنند و از آنجایی که این‌گونه موضوعات در شعر بهبهانی دیده می‌شود، بنابراین بر آن شدیم تا در پژوهشی مستقل، به مطالعه جلوه‌های رئالیسم و ناتورالیسم در شعر سیمین بهبهانی به‌عنوان یکی از شاعران مهم و تأثیرگذار معاصر بپردازیم.

۲. رئالیسم

واژه رئالیسم معادل کلمه واقع‌گرایی در فارسی است. پس باید ابتدا واژه واقعیت را تحلیل کنیم. در اصل، «واقعیت» چیزی تصور می‌شود که باید بدان دست یافت که چیزی که باید آن را مسلم فرض کرد و این دست‌یابی، فرآیندی مستمر است که هرگز نمی‌گذارد مفهوم تثبیت شود یا واژه قالب معنایی سهل‌الوصولی فراهم آورد. واقعیت به اندازه‌ای گمراه‌کننده و مبهم و متناقض است که همه نمی‌توانند به آن دست یابند» (روب‌گری‌یه، ۱۳۷۰: ۳۹). «واقعیت» امری نسبی و متغیر است که تحت تأثیر جریان‌های متضاد دائماً دستخوش تغییر و تحول است. این جریان‌های متضاد - که در هر مرحله تاریخی واقعیت را قالب‌ریزی می‌کنند - خود زاینده سلسله‌ی بی‌پایان مناسبات علت و معلولی و تأثیرات متقابل است که بدون شناخت آنها درک حقیقت ممکن نیست» (سیروس، ۱۳۶۲: ۳۰).

رئالیسم را در مفهوم عام آن می‌توان در تمامی آثاری که از سطح ظواهر عینی فراتر رفته و حقایقی از روابط گوناگون و پویای انسان‌ها با یکدیگر و یا محیطشان را بیان می‌کنند، بازشناخت. رئالیسم همچنان بیانگر علاقه و تمایلی بنیادین نسبت به شیء و موضوع خارج از ذهن است. از این‌رو، بیشتر نویسندگان به‌نوعی با واقعیت سروکار داشته‌اند و بخش

گسترده‌ای از ادبیات جهان را آثار واقع‌گرایانه به خود اختصاص داده و این همان است که آن را گرایش ارادی هنر به واقعیت تقریبی نامیده‌اند» (کادن، ۱۳۸۰: ۳۶۳).

۳. ناتورالیسم

در معنای اصطلاحی، «ناتورالیسم» عنوانی است که به معنای اخص آن برای اشاره به یک جنبش ادبی و هنری در اواخر قرن نوزدهم به کار می‌رود و به معنای اعم آن به سبکی از داستان‌نویسی اطلاق می‌شود که حتی امروز هم برخی نویسندگان برای نوشتن داستان به کار می‌برند (پاینده، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۵۹). ناتورالیست در اصل اصطلاحی است که از فلسفه به ادبیات راه یافته است و «این مکتب براساس ناتورالیسم فلسفی پایه‌گذاری شده است. به موجب ناتورالیسم فلسفی، تمام پدیده‌های هستی در طبیعت و در محدوده دانش عملی و تجربی جای دارند و هیچ‌چیز در ورای ماده وجود ندارد (مقدادی، ۱۳۷۸: ۵۰۴). اما از نظر ادبی، ناتورالیسم تاکنون دو معنا پیدا کرده است: نخست در مفهوم ساده‌تر و در معنی واژگانی خود کاربرد یافته که مراد از آن دوست‌داشتن طبیعت و اظهار عشق به انواع مظاهر آن از قبیل گل و گیاه و کوه و دشت و... بوده است (ثروت، ۱۳۸۵: ۱۲۲). در ادبیات ناتورالیسم بیش از اندازه به جزئیات پرداخته می‌شود و گاهی ریزبینی و ذکر عوامل و حوادث بسیار جزئی ملال‌آور است. ذکر جزئیاتی مثل کوچک‌ترین حرکات قهرمان داستان تا پیش‌پافتاده‌ترین حرکتی که در زندگی او اتفاق می‌افتد. در ادبیات ناتورالیسم مکالمه‌های طولانی و بیهوده بسیار است. در اشعار سیمین گاهی تکرار که از مشخصه‌های شعر نو است فراوان مشاهده می‌شود در چهارپاره‌هایش و .. ناتورالیسم همگام با رئالیسم است. ناتورالیسم به جبر علمی اعتقاد دارد و می‌گوید حوادثی در دنیا رخ می‌دهد که بر پایه قوانین علمی صورت گرفته است.

۴. ویژگی‌های رئالیسم (واقع‌گرایانه) در شعر سیمین

اکثر اشعار سیمین بهبهانی از ویژگی واقع‌گرایانه برخوردار می‌باشند. با نگاهی به سروده‌های سیمین در مجموعه‌های «جای پا»، «چلچراغ»، «مرمر» و «رستاخیز» به روشنی می‌توان دریافت که در همه این آثار او تلاش می‌کند تا واقعیت را به تصویر بکشد. این آثار منعکس‌کننده واقعیت‌های تلخ، غم‌انگیز و حتی نفرت‌آور اجتماع هستند. واقع‌گرایی را علاوه بر شعر در نثر سیمین نیز می‌بینیم مثلاً در داستان «بذل مدت» که روایت دختر بچه سیاهپوستی است که دزدان او را به بردگی برده‌اند. حاج آقا او را در مکه می‌خرد و برای همسرش نورالدوله هدیه می‌برد. بهبهانی در این داستان سرنوشت دختر را جزء به جزء پیش می‌برد. نقل قول‌های سیمین نیز از ویژگی واقع‌گرایانه برخوردارند (ابومحیوب، ۱۳۸۲: ۸۴). این شاعر ارزنده از بی‌عدالتی‌ها و اوضاع نابسامان جامعه به شدت انتقاد می‌کند بنابراین می‌توان آثار وی را در زمره آثاری به‌شمار آورد که رئالیسم انتقادی در آن‌ها برجسته است؛ چراکه سیمین شاعری رئالیست است و درواقع شاعر رئالیست شاعر انتقاد است.

۴.۱. کاربرد شخصیت‌های واقعی

در مجموعه «جای پا» نغمه روسپی، سرود نان، دندان مرده، جیب‌بر، در بسته، به‌سوی شهر، هدیه نقره، فوق‌العاده، معلم و شاگرد، کارمند، خون‌بها، گمشده، سکوت سیاه و کابوس، تمامی این روایت‌ها شیوه رئالیستی دارند، زیرا اغلب جنبه گزارش حادثه را پیدا کرده‌اند و شخصیت‌ها نیز از افراد معمولی هستند. اگرچه ممکن است این نکته به نظر آید که آن‌ها به شیوه ناتورالیستی انتخاب شده‌اند. در این روایت‌ها، سیمین فقط تا اندازه‌ای به توصیف صحنه‌ها می‌پردازد که به آن احتیاج دارد، احتیاج برای برانگیختن احساسات، برای اینکه تأثیر عاطفی بیشتری در خواننده بگذارد. به همین دلیل وی وارد جزئیات نمی‌شود.

شخصیت‌های روایت‌های او در این مجموعه عبارتند از: روسپی، دلکک، گورکن، جیب‌بر، یک مرد سرخورده به آغوش یک روسپی پناه آورده، دهقان، کارگر، رقاصه، دختر اغفال شده، دخترک فقیر دانش‌آموز، کارمند، پدر و مادر فقیری که فرزندشان در اثر تصادف مرده، پسری که دزدیده شده و به مفعول حرفه‌ای تبدیل شده، زن انتقام‌جو» (همان: ۲۲). برای شعر روایی سیمین بهبهانی دو دسته‌بندی کلی در نظر گرفته شده است: ۱. دوره رمانتیسیم؛ ۲. دوره رئالیسم با تمایلات سمبولیستی (همان). واقع‌گرایی را همان‌طور که ذکر شد در نثر سیمین نیز می‌بینیم. شخصیت‌های روایت‌های بهبهانی در دوره رئالیستی‌اش دگرگونی یافته‌اند، و چنان‌که ابومحسوب می‌گوید: «با قدم‌های کولی دشت بیدار می‌شود. کولی، دخترکی است که اهل سفر و عمل است، حرکت و پویایی دارد. شجاعانه و عاشقانه عملی انجام داده و نمی‌ترسد و پای حد و تعزیر آن هم نشسته است، هرچند گاهی دچار سرخوردگی هم می‌شود اما باز در شعرهای دیگر ظهور می‌کند و دوباره به کنش برمی‌خیزد. در شعر «گفتی که انگور است» بی‌باوری و فریاد راوی، نشان مقاومت و کنش است. یا در شعر «کودک روانه از پی بود» کودک فقیر سرانجام پسته‌ای را که دوست دارد می‌دزد و به جای غصه خوردن و گوشه نشستن، می‌خندد.

ناگاه جیب کودک را پر دید - «وای! دزدی؟» کودک چو پسته می‌خندید، با یک دهان پر از پسته

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۲۴۴)

۴.۲. بازتاب ظلم و ستم جامعه در شعر بهبهانی

یکی از موضوعاتی که در شعر بهبهانی بازتاب بسیاری یافته، ظلم و ستمی است که در جامعه وجود دارد. علاوه بر بیدادهای حاکمیت، ظلم و ستمی که مردم یک جامعه در حق یکدیگر روا می‌دارند، نیز مورد توجه قرار گرفته است:

لبم باز شد تا به فریاد گویم: چه نازی که این منصب و پایه داری؟
از آن در چنین پایه‌ای استواری که از پستی و سفلیگی مایه داری
کدامین هنر داری از من فزون‌تر؟ مگر دزدی و ژاژخایی و پستی؟

تو را گر نبود این هنرها که گفتم نبودی در این پایه کامروز هستی

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۷۵)

مضمون این شعر حرف‌هایی است که یک کارمند در شکایت از ظلم و ستم‌های رئیس خود در دل زمزمه می‌کند و جرأت رودررو گفتن آن را ندارد. در شعر بالا، بهبهانی از زبان کارمندی سخن می‌گوید که برای به‌دست آوردن لقمه‌ای نان هرگونه حقارتی را تحمل کرده و برای اینکه همین حقوق ناچیز را نیز از دست ندهد به انسانی ظلم‌پذیر تبدیل گشته است. اگر حرفی و فریادی می‌کشد، در درون خود است تا شاید این‌گونه کمی خود را آرام کند. شاعر با زبان بی‌زبانی حقیقت ماجرای این کارمند را برای مخاطب خود بیان می‌کند. بنابراین بهبهانی ظلم را نه فقط در زمینه سیاسی و از جانب حکومت آن زمان بلکه در محیط خانواده، اداره و در بین اجتماع مردم نیز مشاهده می‌کند و از آن سخن می‌گوید؛ ظلمی که می‌تواند از جانب یک رئیس به کارمند خود، رفتارهای یک پدر در حق فرزندانش و برخورد مردان با همسرشان و حتی نحوه اجرای قوانین باشد.

۴.۳. استیصال مردم جامعه

سیمین بهبهانی نیز از مشکلات، دردها و غم‌های جامعه و ملت خود غافل نمانده است. او در مقدمه مجموعه شعری خود به نام «جای پا» وقتی از حرف دل شاعر سخن می‌گوید، دل شاعر را صحنه‌ای از زندگی هم‌میهنان دردکشیده، معرفی می‌کند که عقیده دارد این رنج‌ها باید آن‌چنان او را منقلب سازد که بتواند با بیان لطیف شعر، آن صحنه را با همه تأثیرات و دقایقش ترسیم کنید و در مقابل چشم دیگران به نمایش بگذارد و معتقد است که شعر، تنها بیان زیبایی‌ها نیست، بلکه باید از زشتی‌ها تجسمی در شعر داشت تا تیرگی‌های اجتماع شناخته شود (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۶).

وی در شعر «شب و نان» پدری فقیر و کودکان گرسنه او را به‌گونه‌ای به تصویر می‌کشد که خواننده را با احساس و عاطفه درد و رنج آن پدر همراه می‌سازد و چنین بیان می‌کند:

خسته و اندوهگین و ناامید	بر زمین بنهاد دست‌افزار خویش
در پناه نیمه‌دیواری خزید	شسته دست از کار محنت‌بار خویش
باز انگشتان خشکی، شامگاه	شرمگین، آهسته می‌کوید به در:
باز چشم پر امید کودکان	باز، دست خالی از نان پدر...

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۱۰۲)

در شعر «درد نیاز» درد و رنج دختر سیه‌چرده ملیحی را بیان می‌کند که از صبح تا شب به هر سو می‌دود و در برابر هر رهگذری کرنش می‌کند. سیمین با این دختر ابراز همدردی می‌کند و متأثر است که چرا در این دنیا که آن را

خرابه‌ای دلگیر و جان‌گداز می‌داند، او را نه از مدرسه و مکتب، بهره‌ای است و نه در دامن پاک محبت، پناهی (همان):
۲۶۴-۲۶۶).

بهبهانی از دو روش در اشعار خود برای بیان موضوع فقر اقتصادی در جامعه استفاده کرده است:

۱. از طریق قیاس: که با مقایسه دو پدیده متضاد یعنی فقر و ثروت، معضل فقر را در جامعه به‌خوبی نمایش می‌دهد.

۲. در قالب بیان یک سرگذشت یا داستان: ضمن بیان یک سرگذشت یا شرح احوال شخصی، به‌صورت تلویحی به فقر و نداری او نیز در زندگی اشاره می‌کند.

سیمین بهبهانی با شرح زندگی ترحم‌انگیز طبقات محروم جامعه و با نگاه خاص خود به بعضی از ناهنجاری‌ها و بی‌اخلاقی‌ها، به بررسی فقر و رنج و اندوه مردم می‌پردازد. سیمین ریشه‌ی همه ناهنجاری‌های جامعه را در معضل فقر و نداری می‌بیند و این موضوع را آن‌گونه در اشعار خود بیان می‌کند که خواننده نیز قانع شده و به همان نتیجه‌ای که مد نظر شاعر است می‌رسد (پاسبان‌وطن و رحمانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

۴.۴. فاقه، درد و رنج

در شعر سیمین بهبهانی شاید بیشترین مضمون استفاده شده مربوط به غم و درد و رنج باشد، طوری که در بطن هر شعری حتی اگر در رابطه با شادی و خنده باشد، رنگ و بویی از غم و غصه نیز به مشام می‌رسد، در پشت هر چهره خندان و شاد در اشعار سیمین، دنیایی از غم و اندوه نهفته است:

خنده شیرین من ریا و فریب است در دل من، موج می‌زند غم دیرین
چهره شادان من، ثبات ندارد داروی تلخم نهان به ظاهر شیرین

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۱۱۱)

لب منه بر لبم! که همچون مار نیش در کام خود نهان دارم
گره بغض و کینه‌ای خاموش پشت این خنده در دهان دارم

(همان: ۲۹)

در سال‌های اخیر بسیاری از سروده‌های بهبهانی بازتاب اندوه و دغدغه خاطر او نسبت به رویدادهای مصیبت‌باری بوده است که در میهنش رخ داده است. در این سروده‌ها او تجربه تلخ هم‌میهنانش را بازگو می‌کند، از جنگ، زورگویی و ستمگری شکوه می‌کند، درباره گرسنگی بینوایان، تعطیلی دانشگاه‌ها، تجمع و اعتراض منتقدان، بستن کانون نویسندگان و توقیف روزنامه‌ها و مجلات می‌سراید، از فساد و ریا سخن به میان می‌آورد و به هر فرصتی از مرگ آزادی سخن می‌گوید، او نماد آزادی و فرزاندگی است.

۴.۵. زن و مسائل زنانه در شعر سیمین

سیمین بهبهانی به مسائل و درون‌مایه‌های اجتماعی به‌ویژه مسائل زنان حساسیت فوق‌العاده از خود نشان داده است، بهبهانی شاعری است که به‌طور خاص بیشتر فکر خودش را بر مسئله زن متمرکز کرده است؛ از این جهت می‌توان گفت سیمین بهبهانی شاعری اجتماعی‌ست که در به‌کار گرفتن نمادهای خاص اندیشه‌ای متفاوت ارائه داده است و از این‌رو، شیوه تفکر و شاعری او در حوزه «مکتب رئالیسم» قرار می‌گیرد (محمدی، ۱۳۷۹: ۶۱). در شعر رئالیستی سیمین زن و دغدغه‌های او اهمیت ویژه‌ای دارد. او بی‌مهری به زنان را نمی‌پسندد و در برابر این پدیده نابهنجار به فغان آمده است. وی در شعرهایش فریاد مظلومیت زنان و نادیده گرفته‌شدن ارزش والای آنان را در جامعه بشری تذکر می‌دهد و با بیان این مسائل، به‌نوعی خواستار برابری و عدالت جهانی می‌شود. زندگی زنان شعر سیمین سرشار از اندوه و غم زندگی است، وضع موجود در اجتماع بشری، آنان را به‌سوی رفتارهای منفعلانه ناگهانی و نابودگرانه سوق می‌دهد اما آن‌که قربانی این رفتارهای هنجارستیز می‌گردد کسی جز خود او نیست. بدین جهت است که سیمین به تکروی‌های فردی باور ندارد بلکه هر دو (زن و مرد) را به همیاری و هم‌فکری صمیمانه و انسانی فرامی‌خواند. سیمین در شعر «هو» به طرح یکی از مسائل بغرنج اجتماعی یعنی چندهمسری پرداخته و آن را در تضاد با نگرش اخلاقی و اجتماعی خود دیده است (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷۳). چندهمسری مردان که از نظر شاعر بسیار منفور تعبیر می‌شود، با تبعات آن در این شعر به تصویر کشیده شده است.

سیمین بهبهانی در تمام موارد جنبه رئالیستی مسایل اجتماعی را در نظر دارد. از این‌روست که شعر او در چنین حال و احوالی از لطافت شاعرانه دور می‌شود و به خشونت تراژیک نزدیک می‌گردد. در ورطه چنین اوضاعی قهرمان تراژدی خود یعنی زن را به نمایش می‌گذارد. در این نمایش همه‌چیز خارج از توان و اراده زن است و به‌سوی سرنوشت به پیش می‌رود. آنچه در چنین مسئله‌هایی روح زن را می‌خراشد تضادی است که میان طبیعت ناب زنانه و عرف جامعه قرار گرفته است. به‌عبارت دیگر، «زن» با طبیعت پاک خود درمی‌یابد که در جامعه شیوه‌هایی پذیرفته شده و عرف گشته که از نگاه یک زن با طبیعتی ناب و پاک، زشت بودنشان بدیهی است ولی افسوس که مردان وظیفه ناشناس آن را در نمی‌یابند (همان: ۷۴). بهبهانی معتقد است که در جامعه مردسالار همه اقسام آزادی به‌نام سنت یا به بهانه تجدد از زنان سلب شده است. همان‌گونه که دختر رقاصه به‌نام آزادی در چنبر عشرت‌جویی مردان اسیر است، زن خانه‌دار نیز به اجبار و بی‌اختیار از پرده‌نشینی و مردم‌گریزی ناگزیر است. سیمین در منظومه «زن در زندان طلا» از زبان زنان ایرانی هم روزگار خویش، از زیستن اجباری در قصر طلا، بدون اختیار و آزادی و استقلال، شکایت می‌کند:

مرا زین چهره خندان مبینید	که دل در سینه‌ام دریای خون است
به کس این چشم پر نازم نگوید	که حال این دل غمدیده چون است
مرا عار آید از کاخی که در آن	نه آزادی، نه استقلال دارم

مرا این عیش، از اندوه خلق است ولی آخ زبانی لال دارم

(بهبهانی ۱۳۸۲، ۹۱)

«ایلخانی‌ها» مجموعه‌ای از اشعار سیمین است که وی در آن از مظلومیت زن در یک بافت کاملاً سنتی سخن رانده؛ زنی که در درازنای تاریخ اجتماعی بشر به اشکال گوناگون ستم دیده است.

۴.۶. به کارگیری زبان عامیانه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی سیمین بهبهانی، کاربرد عناصر فولکلر و فرهنگ عامیانه است. اغلب این عناصر عامیانه که نشان‌دهنده آگاهی وسیع او از فرهنگ عوام است، در ساختمان شعر سیمین جا افتاده و خوش نشسته‌اند و فضای مناسبی را ایجاد کرده‌اند. اصطلاحات عامیانه در زمان خودشان هیچ‌گونه دشواری ایجاد نمی‌کرده‌اند بلکه باعث ساده‌تر شدن شعر نیز می‌شده‌اند. در شعر سیمین نیز این اطلاعات، هم باعث سادگی و روانی زبان شده و هم ایجاد کرده‌اند. در اصطلاح عوام ایران، شلوغ بودن جایی یا جنجال و آشوب برپاشدن را در جایی به صورت «محشر به پا بودن» بیان می‌کنند. لالایی‌ها هم که یکی از انواع ترانه‌های عامیانه‌ای بودند که مادران برای خواب کردن کودکانشان می‌خوانند، در شعر سیمین حضور دارند. سیمین یکی از انواع این لالایی‌ها را بدین گونه در شعر خودش آورده است.

۵. ویژگی‌های ناتورالیستی در شعر سیمین

پس از بررسی مؤلفه‌های ناتورالیسم مانند مسئله وراثت؛ توجه به علم فیزیولوژی؛ زشت‌نگاری؛ پرداختن به طبقات متوسط و پایین جامعه، مخالفت با قراردادهای اخلاقی و باورهای مذهبی؛ به تصویر کشیدن پلیدی، پریشانی، بی‌عدالتی، فقر و فلاکت موجود در جامعه؛ انسان مقهور شرایط جسمانی؛ زبان محاوره؛ شخصیت‌هایی که انگیزه‌های حیوانی در آن‌ها قوی‌تر است؛ تأثیر محیط و ... ناتورالیست‌ها روی جنبه‌های تاریک زندگی تأکید دارند، سوژه‌هایی مثل مرگ، تهیدستی، نژادپرستی، بیماری و بسیاری موارد منفی دیگر از مضامین پایه این مکتب هستند که سبب شده نویسندگان ناتورالیست توجه خاصی به سیاه‌نمایی و بدبختی و اندوه بشری داشته باشند.

۵.۱. توجه به جنبه‌های نفرت‌انگیز زندگی

همان‌طور که می‌دانیم موضوع آثار ناتورالیستی بیشتر به طبقات متوسط و پایین جامعه و انسان‌های عادی و جنبه‌های مختلف طرز زندگی کارگران، صنعت‌گران، زنان روسپی، ولگردهای خیابانی و به نفرت‌انگیزترین جنبه‌های زندگی آنان پرداخته می‌شود. درواقع، ناتورالیسم به احوال مردمی علاقمند است که تا آن زمان برای کارهای هنری قابل توجه نبودند. به هر حال ناتورالیست‌ها بسیار بیشتر از گذشتگان خود به موضوع فقر و محرومیت و نکبت پرداختند (فورست و اسکرین، ۱۳۹۴: ۵۹). موجوداتی تحت سیطره‌ی وراثت و محیط و فشارهای لحظه.

«بهبهانی زمانی در شعر فعل مجهول از فقر اقتصادی می‌گوید و زمانی دیگر از زبان روسپی و جیب‌بر و دلاله و رقاصه و کارمند و امثال آن صحبت می‌کند. درد و غم او غم مردم جامعه است. از اندوه زن روسپی گرفته تا درد جیب‌بر و از

رنج دختر رفاصه تا زن کارمند و از غم فقر تا غم زن در زندان طلا» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۴۴۱). به نظر می‌رسد شاعر راوی راستین رنج‌های جامعه زمان خودش است. شعر او محصول اندیشه و همدردی با مردم است و در اشعارش دردها و نارضایتی‌های مردم را بیان کرده است. او در یکی از اشعارش با عنوان فوق‌العاده از درد و رنج مادری سخن می‌گوید که جگرگوشه خود را بر سر راه می‌گذارد:

روز دیگر کودکی بارش خبر می‌کشید از عمق جان فریاد را،
داد می‌زد: «آی فوق‌العاده، آی» خوردن سگ کودک نوزاد را

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۶۲)

و در جای دیگری از زبان کارمندی می‌سراید:

چه دردی ست، آوخ، چه درد گرانی پی لقمه‌ای نان، به هر سو دویدن
بر ناکسان دغل ایستادن به پای فرومایه مردم خمیدن

(دهباشی، ۱۳۸۳: ۷۴).

شرایط اجتماعی نامطلوب دوره رضاشاه، روح‌های حساس زمانه؛ یعنی شاعران و نویسندگان را به همدردی با طبقات فرودست جامعه سوق می‌دهد. شاعران در این دوره با به تصویر کشیدن زندگی سخت طبقات فرودست جامعه؛ از قبیل کارگران، دهقانان، ماهیگیران، زنان کارگر، دختران قالیباف، کودکان آواره و مطرودانی چون روسپیان، معتادان، دزدان، لوطیان و مانند آنان، هم نقاب از چهره زشت روزگار جدید که سرآغاز مدرنیته ایرانی است، برداشتند و هم خواهان مبارزه جدی با ناهنجاری‌های اجتماعی شدند (اسماعیلی، ۱۳۳۱: ۱۳۲).

۵.۲. جبر زیستی و تأثیر وراثت و محیط بر انسان

سیمین در برخی اشعار خود با مضمون فقر، اغلب گناهایی را که انسان مرتکب آن می‌شود به سبب وجود فقر می‌داند و این‌طور به خواننده تفهیم می‌کند که اگر هم جرم و گناهی صورت می‌گیرد از سر ناچاری و نیاز است. البته شاید شاعر در این اشعار فقط بُعد مادی آن را ملاک قرار داده و به معنویات که تأثیر مهمی در کم‌شدن جرم و جنایت دارد توجهی نشان نداده است. نمونه اشعار او با این مضمون:

کنون او بود و گنج خفته در گور به کام پیکر بی‌جان و سردی
به چنگ افتد اگر این گنج، ناچار تواند بود درمان بهر دردی

به دست آرد اگر این زر، تواند که سیمی در بهای او ستانند

وزان پس کودک بیمار خود را پزشکی آرد و دارو ستاند

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۳۳)

در این شعر با عنوان «دندان مرده» سیمین داستان مردی را بازگو می‌کند که به سبب فقر و از طرفی با داشتن طفلی بیمار، تصمیم گرفته مرده‌ای را نبش قبر کند و دندان‌های او را - که شنیده از جنس طلاست - بیرون بیاورد. در نهایت وقتی آن دندان‌ها را به زرگر نشان می‌دهد، درمی‌یابد که جنسشان از طلا نیست بلکه رنگ طلا به آن زده‌اند.

«سیمین چون در خانواده‌ای که ادبیات و سیاست از آن جدانشدنی بوده زندگی و رشد کرده، خواه‌ناخواه شاعری اجتماعی و سیاسی بار آمده است و همچنین به علت شغل او که تدریس بوده او را با توده محروم جامعه آشنا ساخته و این کمبودهای زندگی مردم مخصوصاً دانش‌آموزان و شاگردان او که سیمین به آن‌ها عشق می‌ورزد، در جای‌جای آثار سیمین به چشم می‌خورد» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۳۷۵). در شعری با عنوان «واسطه»، شاعر از زبان یک انسان گناهکار که گناهش فریب دختران و به دام انداختن آن‌هاست، این‌گونه گناه بزرگ خود را توجیه می‌کند. بهبهانی در اشعار خود رفتارهای ناهنجار اجتماعی و فساد و بی بندوباری در جامعه را نیز نتیجه‌ی فقر در جامعه می‌داند. در شعر «نغمه روسی» شاعر از زبان یک زن فاسد سخن می‌گوید و تمام بی‌اخلاقی‌ها و زشتی‌های اعمالش را در بیت آخر به سبب به‌دست‌آوردن چند درم بیشتر می‌داند. بهبهانی بیداد و استبداد و تبعیض و تعصب را برنمی‌تابد. مسحور و مفتون گرایش و اندیشه‌ای خاص و یا پای‌بند گروه و فرقه‌ای مشخص نیست. در گفتن حقیقت و ترسیم واقعیات و آرمان‌خواهی خطر را به جان می‌خرد.

۵.۳. توصیف پلیدی و زشتی واقع در جامعه (زشت‌نگاری)

ناتورالیست‌ها وصف یا درج هرگونه زشتی یا ناهنجاری اخلاقی و اجتماعی در آثار ادبی را نه‌تنها عیب نمی‌دانستند بلکه بر آن تأکید می‌ورزیدند. درواقع، پیروان مکتب ناتورالیسم برای توجیه پایبندی خود به وظایف واقعی، زشت‌نگاری را عین واقعیت‌گرایی می‌دانستند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۴). از نظر آن‌ها مدنیت ظاهر فریبنده‌ای است که ذات واقعی انسان‌ها را پنهان می‌کند، ذاتی که با پول‌پرستی و شهوت و دنائت عجین شده است. آنچه می‌بایست در داستان به نمایش گذاشته شود، عزت‌نفس شخصیت‌ها نیست، بلکه فرومایگی و پستی ماهوی آن‌هاست (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۲۸) ادبیات ناتورالیستی در مجموع انتقادی تلخی است از جامعه است. با این‌همه باید گفت؛

بخشی از سروده‌های سیمین بهبهانی بی‌آنکه گزارشگر خبر باشد روایت منظوم تحولات یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران است. اگرچه این سروده‌ها معمول و متأثر از وقایع زمان و دوره‌ای خاص است ولی از زمان و مکان فراتر می‌رود، صورت کلی و عمومی و انسانی پیدا می‌کند و تبلور روح تاریخ به زبان زیبای شعر می‌شود. گرچه در شعرهای آغازینش به نمونه‌های فساد و بیداد در عرصه‌های گوناگون اجتماعی پرداخته (نغمه روسی، رقاصه، طلاق، واسطه، جیب‌بر، کارگر) اما به تدریج سرنوشت تاریخی ایران مدنظرش قرار گرفته و اسباب و عوامل بی‌عدالتی‌ها زمینه اصلی سروده‌هایش شده است (علی‌میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در این شعر، بهبهانی از نبود کرامت و عصمت و پاکیزگی

در شهر سخن می‌گوید؛ شهری که در آن عصمت که با دو تکه نان معامله می‌شود. شهری که در آن چیزی جز ناخن خشک و دامن تر نیست، شهری پر از نکبت و خواری و عفونت و فساد. در این زندگی هیچ سود و ثمری وجود ندارد و در پس این ظلمت، روشنی و سحری نیست. شعر سیمین محصول اندیشه و همدردی با مردم و غم و رنج و دغدغه ذهنی او بیان دردها و نارضایتی‌های دیگران است. «توجه به دردمندی‌های مردم حاصل گرایش‌ها و تمایلات جوانی او است» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۴۴۱).

۵.۳. احساس یأس و پوچی

سیمین در یکی از شعرهایش از اینکه چنین دنیایی به جایی آباد و امن و راحت بدل شود، ابراز ناامیدی می‌کند:

فقر و فساد و فحشا را

از این خرابه خواهی راند

تا عیش و امن و تقوا را

سوی سرا بیاری؟

نه (بهبهانی، ۱۳۸۲: ۱۶۱)

و در شعر دیگری، زیستن در چنین جهانی را بیهوده و پوچ می‌داند. وقتی زندگی این چنین است، عمر دراز و روز را به شب رساندن و شب را سحر کردن چه حاصلی دارد؟

که چی؟ که بمانم دوپست سال

به ظلم و تباهی نظر کنم

که هی همه روزم به شب رسد

که هی همه شب را سحر کنم

که هی سحر از پشت شیشه‌ها

دهن کجی آفتاب را (همان: ۱۶۷)

از نظر بهبهانی عمر فایده‌ای ندارد وقتی این همه ظلم و ستم در جامعه وجود دارد. وقتی وجود آدم از پلیدی‌ها و پلشتی‌های جامعه پر از نفرت می‌شود، همه چیزها تلخ است، دنیا قفس است، پس از زندگی چه سود؟ در جامعه‌ای پر از فساد و جمود و دود، در جهانی پر از غم و ستم، چرا باید زندگی کرد؟ وقتی دیگران در سختی و محنت‌اند چگونه می‌توان فارغ و شاد بود؟

گذر سیمین به جوامع گذشته، با تعبیری از ازدهای اساطیری، خط سیر اندیشه وی را در زمینه این ناهنجاری اجتماعی تا گذشته‌های دور نشان می‌دهد. در واقع، سقوط یک جامعه و تزلزل روابط انسانی پدیده‌ای است که جوامع بشری در دوره‌های مختلف تاریخ به نحوی دچار آن بوده‌اند و پدیده‌ای نوظهور نیست، تعبیرات «دیو و فرشته»، «اژدها و ایزد» و ... همگی نمودار وجود جریان‌های مثبت و منفی در جوامع است. شکل‌گیری الهه‌ها و دیوها که هر کدام مسئول و مسبب اعمال خوب و بد می‌باشد، نمونه‌ای از وجود چنین مسائلی در همیشه تاریخ می‌تواند بود. بنابراین سیمین از این رهگذر و با پیش‌کشیدن این زمینه تاریخی، در واقع بیانگر نقد و اعتراضی است بر جامعه‌ی امروزی خود. تداوم شب، جای خالی دوستان و امید به دمیدن سپیده از درون مایه‌های این غزل است. سیمین از ورای تمام دردهای گفته و ناگفته خود، نبض پویای اجتماعش است. حتی اگر از نابسامانی‌های اجتماعش مأیوس و سرخورده باشد (حقی پرست پارسی، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

۵.۴. طبیعت‌گرایی

در توصیفات سیمین از طبیعت فصل پاییز نسبت به دیگر فصل‌ها حضور پررنگ‌تری دارد. شاعر فضای درد و رنج دهقان را با افتادن برگ‌های زرد و پژمرده پاییز بر روی آب‌های برکه توصیف می‌کند:

دهقان کنار کلبه خود بنشست	در آفتاب و گرمی بی‌رنگش
در دیده‌اش تلاطم رنجی بود	در سینه می‌فشرد دل تنگش
چرخید در فضا و فرود آمد	پژمرده و خزان‌زده برگی زرد
بر آب برکه چین و شکن افتاد	دامن بر او کشید نسیمی سرد

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۵۱)

نکته قابل توجه دیگر تشبیه عناصر طبیعی به انسان در شعر سیمین است. به این صورت که شاعر به جای این که انسان را به پدیده‌ای طبیعی تشبیه نماید، عناصر طبیعی را به انسان تشبیه می‌کند. تشبیهات نو و جدید که حاصل شهرنشینی و پیامد انسان امروزی است. آبشار بلند به مسواک و رشته‌های سپید آن که به تن صخره‌ها جلا می‌دهد و سنگ‌ها به دندان‌های شکسته تشبیه شده‌اند. سپس شاعر وارد محیطی سیاه و سرد و تاریک می‌شود که گرد مرگ بر آن پاشیده شده است. درحقیقت، پناه‌بردن بهبهانی به عناصر طبیعت خود نوعی فرار از زندگی مدرنیته و شهری معاصر تلقی می‌گردد. جالب‌تر اینکه از عناصر طبیعت برای محتوایی اجتماعی کمک می‌گیرد و سختی و فقر جامعه خود را تصویر می‌کند.

۵.۵. شخصیت‌هایی با انگیزه‌های حیوانی

شعر زیر در مورد زنی که واسطه شده و دختری زیبا را با خرس پیر (به قول سیمین) نشانده و هدفش تنها درآوردن نان است به هر قیمتی که شده:

دیگر شکار تازه نداری؟	ابرو به هم کشید و مرا گفت
جز رنگ و بوی غازه نداری؟	اینان، تمام، نقش و نگارند
حاجت به رنگ و بوی نباشد	دوشیزه‌های بیار که او را
با رنگش آبروی نباشد	وان آب و رنگ ساختگی را
تا دختری به چنگ من افتاد	افسون به کار بستم ونیرنگ
ز انگشت پای تا به سرش بود	یک باغ، لطف و گرمی و خوبی
آن مرد را به معرکه خواندم	بزمی تمام چیدم و آن گاه
نزدیک خرس پیر نشاندم	مشکین غزال چشم‌سیه را

(بهبهانی، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۷)

در این شعر علاوه بر زنی که واسطه چنین اتفاق غیرانسانی شده، آن مرد هم دارای شخصیتی پلید است؛ مردی که زن را صرفاً یک کالای جنسی می‌بیند. «بدیهی است در ساختار اجتماعی مردسالار که بر بنیان برتری جنس مذکر بنا شده، زن فاقد اصالت بوده، صرفاً ابزاری برای تأمین نیازهای جنس برتر، یعنی مرد است که در رأس این نیازهای مردانه، اطفای ناپره شهوت و تسکین غریزه جنسی مردان قرار دارد؛ این نگاه ابزارانگارانه در خصوص زنان که برآیند ساختار اجتماعی مردسالار بوده، همواره مورد نقد قرار می‌گیرد». شاعر در روایت فوق بر تلقی نظام اجتماعی مردسالار از زن به‌عنوان کالایی قابل خرید و فروش انگشت می‌نهد و نگاه غیرانسانی و به تعبیر بهتر حیوانی و عاری از اصول اخلاقی، که مرد را قدرت غالب و زن را جنس مغلوب می‌بیند، به نقد می‌کشد و به تلویح، مردان بوالهوس را همچون جانورانی درنده به تصویر می‌کشد که در ساحت تعاملات اجتماعی بی‌آنکه به روابط انسانی بیندیشند، صرفاً به دنبال شکار زن و سیطره جنسی بر او هستند (شیرازی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶).

۵.۶. ضدیت با باورهای مذهبی

ناتورالیسم به صورت قیامی علیه پیش‌داوری‌ها و قراردادهای اخلاقی و مذهبی پا به میدان می‌گذارد. سانسوری را که جامعه بر بخشی از مظاهر طبیعت و زندگی اعمال کرده است، درهم می‌شکند. از چیزهایی سخن می‌گوید و مناظری را تشریح می‌کند که تا آن روز در آثار ادبی راه پیدا نکرده بود و همین مشخصه ناتورالیسم است که پایبندان عرف و عادت و قراردادهای اخلاقی را به خشم می‌آورد و ضد خود تحریک می‌کند (فورست و اسکرین، ۱۳۹۴: ۲۳).

یکی از مسائلی که در اشعار بهبهانی دیده می‌شود، بحث مطرح کردن هوس و عشق زنان به مردان است که پیش از او در اشعار فارسی به جز موارد اندک، بی‌سابقه است. در اشعار سیمین، جنس مؤنث به توصیف معشوق خویش می‌پردازد. همین‌گونه در شعر دیگر شاعران از جمله؛ فروغ فرخزاد نیز این ویژگی بسیار پررنگ‌تر و عریان‌تر دیده می‌شود. فروغ نیز مانند سیمین «برای این که بگوید هراسی از طغیان اخلاقی ندارد، شعرش را به نام مرد آراست؛ مردی که معشوق است نه عاشق» (سالاری، ۱۳۹۳: ۵۳). شاعر از کلماتی استفاده می‌کند که پیش از این دلالتی کاملاً مردانه داشتند و به زبان بدون مرز و رها، و بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های عرفی و اجتماعی صریح سخن می‌گوید. تردامنی و شکایت از پرهیز و فرا رفتن از مرزها، زین پیش در ادبیات این مرزبوم، بیشتر مختص مردان بود.

۶. ساختار روایی و کلام گفتاری شعر سیمین

ساختار روایی و کلام گفتاری و فولکلوریک بهبهانی که در اساس به قلمرو داستان تعلق دارند، از همگامی و هم‌نفسی شاعر با زمانه و مردم زمانه‌اش ناشی می‌شود. این نوع زبان شعری بسیار همسو و هماهنگ با درون‌مایه آن از جمله بازگویی درد و رنج و واقعیت‌های اجتماعی است. از پیامدهای ادبیات روایی علاوه بر آسان‌یابی مضامین آن‌ها، غلبه سرشت جهانی و همگانی در آن‌ها می‌باشد.

آنچه از غزل می‌دانیم، این است که فضایی کاملاً احساسی و متناقض دارد و هر بیتش ره به عالمی دارد، سیال است و انباشت تداعی‌های درهم، و همه‌ی اینها باعث شده است که استقلال ابیات در غزل امری طبیعی قلمداد شود اما امروزه ارتباطات این نوع گسست‌ها را از میان برداشته است؛ بنابراین، اندیشه نو در غزل سیاسی و اجتماعی نیز رخنه کرده، آن را به فرم و ساختی یک‌دست سوق داده و روایت را هم به درون آن کشیده است. سیمین بهبهانی که این شکل جدید را در بافت و محتوای غزل تجربه کرده است، می‌گوید: من در این شکل جدید (قالب و محتوا) خیلی کارها توانستم به انجام برسانم. نخست آنکه انسجام موضوع و پیوستگی مفاهیم هر بیت را با بیت بعدی تحقق بخشیدم و این امری بود که در غزل کلاسیک معمول نبود؛ یعنی، هر بیت برای خود معنا و مفهوم مستقلی داشت که شاعرانه یا عارفانه بود اما با شعر غربی مغایرت داشت ... طبعاً ادبیاتی که آینده‌ی زندگی آدمیان است، دیگر گسستگی‌ها را بازتاب نمی‌دهد. به جز پیوستگی مفاهیم، که مهم‌ترین تفسیر من از محتوای غزل بود، توانستم مضمون غزل را به شکل‌های گوناگون عرضه کنم؛ مثلاً استفاده از شیوه‌ای دراماتیک یا گفت‌وگوهای دو نفری یا چندنفری یا تک‌گویی‌های درونی یا نقد داستان‌ها به شیوه مینی‌مال» (بهبهانی، ۱۳۸۱). شعر سیمین، هم به لحاظ مضمون هم به لحاظ فرم، در ادبیات

معاصر ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد. غزل که سنتی‌ترین قالب شعر شاعران ایران است، دست‌مایه اصلی هنر شاعری سیمین است. او در این زمینه به کامیابی فوق‌العاده‌ای رسیده است که او را، به حق، نماینده غزل نو معاصر می‌شناسند. این نوع غزل تحت تأثیر شعر نو به‌وجود آمده است و از امکانات شعر نو، چه از نظر زبان و چه از نظر مضمون، استفاده کرده است (شریفیان و پوینده‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

۷. رئالیسم و ناتورالیسم در نقاشی معاصر ایران

رئالیسم به‌مثابه جریانی در هنر نقاشی حضور خود را در دهه‌های اول و دوم قرن نوزدهم اعلام کرد. بنیانگذار این نحله هنری، نقاش سنت شکن فرانسوی «گوستاو کوربه» بود. هنرمندان رئالیسم با گسست از قواعد معهود هنرمندان زمانه خود و عطف توجه به موضوعات روزمره مردم، بروز شور اجتماعی، نگاه نقادانه به طبقات بالای جامعه و نهایتاً انعکاس زندگی واقعی مردم به دور از رؤیاپردازی‌ها و اغراق‌های رمانتیک، مؤلفه‌های زیبایی‌شناسانه خود را بنا نهادند و به سبب همین گرایش جامعه‌محور، با اقبال عامه مخاطبین روبه‌رو شدند. به تعبیری ماهیت عینیت‌گرایانه و اجتماع محور رئالیسم، زمینه‌های حضور زنده و پایدار آن را تا زمانه معاصر نیز تداوم بخشیده است (محمدی و اردلانی، ۱۳۹۸: ۱۴۱). رئالیسم به معنای واقع‌گرایی است، اما از آنجا که کلمه واقعیت تعابیر متفاوتی و متناقضی را القا می‌کند لذا این عنوان در حوزه هنر اشکال متنوعی را به‌وجود آورده است. در نگارگری ایرانی کمال‌الدین بهزاد و شاگردانش گونه‌ای از واقع‌گرایی را به تصویر می‌کشند. اما شیوه رئالیسم اروپایی از اواخر دوران صفویه کم‌کم به نقاشی ایرانی رسوخ کرده و در دوران قاجار با سفر چندی از هنرمندان ایرانی به اروپا و بازگشتشان به ایران این شیوه از نقاشی به تثبیت می‌رسد. ناتورالیسم معتقد است هر چیزی که وجود دارد، بخشی از طبیعت است؛ بنابراین در حوزه فعالیت علم قرارداد و به‌وسیله علت‌های مادی و طبیعی قابل توصیف و توجیه است. ناتورالیسم در ادبیات بر جنبه‌های توارث، محیط و مشاهده زندگی به دور از آرمان‌گرایی تأکید می‌ورزد. ناتورالیسم از راه ترجمه‌های دوران مشروطیت وارد ادبیات داستانی ایران شد و همواره مورد توجه نویسندگان معاصر قرار گرفت. برخی از مؤلفه‌های ناتورالیستی که در دوران حکومت پهلوی بنابه شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از بسامد بالایی برخوردار بوده‌اند، پس از انقلاب اسلامی حضورشان کم‌رنگ‌تر شد. نکته دیگر اینکه نویسندگان مذکور تمام آثار خود را براساس ویژگی‌های مکتب ناتورالیسم خلق نکرده‌اند (صیادچمنی، ۱۳۹۵).

مکتب ناتورالیسم ماحصل تحولات قرن نوزدهم میلادی است. قیام و پاسخ در مقابل سبک هنری رمانتیسم در طول در غالب دو مکتب شکل گرفت، رئالیسم و ناتورالیسم. طبیعت‌گرایی مفهومی متضاد با چکیده‌نگاری است. طبیعت‌گرایی یا ناتورالیسم اصطلاحی است در تاریخ هنر برای توصیف سخی از هنر که در آن طبیعت بدان‌گونه که به نظر می‌آید، بازنمایی می‌شود. مشاهده عینی واقعیت شالوده این سبک است. در میان هنرهای تجسمی، تنها مکتب وفادار به طبیعت، ناتورالیسم یا طبیعت‌گرایی می‌باشد، که شامل نقاشی توصیفی از طبیعت به همراه پیکره‌های انسانی است با

کم‌ترین تغییرات و تصرف‌ها به نمایش درمی‌آورد. این مکتب در تمامی انواع ادبی و هنری جای دارد. هنر طبیعت‌گرایی در میان نقاشان معاصر ایران نیز مسیر خود را جسته است.

نتیجه‌گیری

سیمین بهبهانی از جمله شاعران معاصر است که شعرش بازتاب مسائل و مشکلات جامعه‌اش است. او از حساسیتی شاعرانه برخوردار است و نسبت به جامعه خود بی‌تفاوت نیست، برای همین از دیدن درد و رنج‌ها و پلیدی‌ها و زشتی‌های جامعه متأثر می‌شود و آن‌ها را در شعرش بازگو می‌کند. بهبهانی از مشکلات، دردها و غم‌های جامعه خود غافل نبوده و صحنه‌های واقعی از زندگی هم‌میهنان دردکشیده خود را ترسیم می‌کند. او پدری فقیر و کودکان گرسنه او را تصویر می‌کند، زندگی کارگران معدن را شرح می‌دهد که در مقابل کار بسیار دشوار خود مزد ناچیزی دریافت می‌کنند، دهقانی را تصویر می‌کند که محصول یک‌ساله‌اش را به خاطر قحطی و سختی از دست می‌دهد و ناچار به ترک خانه خود و مهاجرت به شهر می‌شود. این درد و رنج‌ها بیشترین واقعیت بازگو شده در شعر سیمین است. درد و رنج و عوامل آن نیز در شعر او از بسامد بالایی برخوردار است. درد و رنج ناشی از همدردی و همدلی با محرومان و رنج‌هایشان و همدردی با آسیب دیدگان حوادث طبیعی، درد و رنج ناشی از گناه و عذاب وجدان نیز از عوامل بروز درد و رنج در شعر سیمین هستند. پیامدهای درد و رنج در شعر سیمین شامل تنهایی و حزن و اندوه است. سیمین معتقد است که رنج موجب تنهایی و اندوه در انسان می‌شود. از مسائلی که موجب اندوه در شعر سیمین شده است تنهایی و سرخوردگی از بی‌وفایی یاران، سرنوشت شقاوت‌بار انسان، از دست دادن عزیزان و بی‌وفایی دنیا، مواجهه با مظاهر آسیب‌های اجتماعی، برآورده نشدن آرزوها و ناامیدی از آینده روشن می‌باشد. زن و مسائل زنان از دیگر مسائل و واقعیت‌هایی است که در شعر سیمین انعکاس یافته است. در شعر رئالیستی سیمین زن و دغدغه‌های او اهمیت ویژه‌ای دارد. او بی‌مهری به زنان را نمی‌پسندد و در برابر این پدیده نابهنجار به فغان آمده است. وی در شعرهایش فریاد مظلومیت زنان و نادیده گرفته شدن ارزش والای آنان را در جامعه بشری تذکر می‌دهد و با بیان این مسائل، به نوعی خواستار برابری و عدالت جهانی می‌شود.

با تأمل در اشعار سیمین بهبهانی می‌توان یکی از اندیشه‌های اصلی شعر او را انتقاد از مردان دانست که رنگ و بوی اعتراض دارد. مردانی که با دید سنتی به زنان می‌نگرند. آن‌ها را از مشارکت در جامعه و کارهای اجتماعی منع می‌کنند. این نگرش را می‌توان در شعر «کولی» او دید که خودش در این باره می‌نویسد: «در کمال وضوح مشاهده می‌شود که در تاریخ اجتماعی و ادبی ایران در مقایسه با مردان کمتر به نام برجسته‌ای از زنان برمی‌خوریم. گهگاه اگر نامی هم آمده باشد، نام زنانی است که به نیابت فرزند صغیرشان سلطنت کرده‌اند. زن در ادبیات ما به‌عنوان قمری خانگی، محبوب حصری، پردگی حرم، ماه پرده‌پوش، نهان‌داشته و امثال این تعبیرات. زنانی که جرأت اظهار وجود داشته‌اند گهگاه جان خود را بر سر آن گذاشته‌اند». زندگی زنان شعر سیمین سرشار از اندوه و غم زندگی است، وضع موجود در اجتماع بشری، آنان را به سوی رفتارهای منفعلانه ناگهانی و نابودگرانه سوق می‌دهد اما آن که قربانی این رفتارهای

هنجارستیز می‌گردد کسی جز خود او نیست. بدین جهت است که سیمین به تکروی‌های فردی باور ندارد بلکه هر دو (زن و مرد) را به همیاری و هم‌فکری صمیمانه و انسانی فرامی‌خواند. شعر بهیپهانی واقعیت عریان زندگی و فقر و محرومیت را بیان می‌کند، لذا ویژگی‌های ناتورالیستی نیز در شعر او دیده می‌شود. مسائلی مانند وراثت و تأثیر آن در زندگی افراد، تأثیر محیط و اجتماع، زشت‌نگاری و بازتاب مسائل زشت و پلید جامعه، پرداختن به طبقات پایین جامعه، مخالفت با قراردادهای و باورهای مذهبی و به تصویر کشیدن پریشانی بی‌عدالتی فقر و فلاکت موجود در جامعه از جمله آن‌هاست.

مهم‌ترین ویژگی ناتورالیستی در آثار سیمین توجه او به جبر زیستی و تأثیر محیط اجتماعی بر انسان است. او در بسیاری از اشعار خود ریشه‌ی اغلب ناهنجاری‌های اجتماعی را در فقر و نداری مردم می‌داند. او در شعرش به کودکانی می‌پردازد که در نتیجه‌ی وراثت و محیطی که در آن پرورش می‌یابند، سرنوشت سیاه و سختی پیدا می‌کند. بهیپهانی در شعر جیب‌بر به حاصل گذشته‌ی بد در زندگی آینده می‌پردازد. در شعر نغمه‌روسی از زبان زن فاسد سخن می‌گوید که تمام بی‌اخلاقی‌هایش به دلیل جبر زندگی است. او دختر رقاصه را توصیف می‌کند که به دیگران شادی می‌بخشد ولی خود شاد نیست چون این کار را از سر ناچاری و برای کسب روزی خود انجام می‌دهد. او با پرداختن به دردهای این اقشار نه از -نگاه یک مجرم بلکه از نگاه دردمندانه‌ی انسان‌هایی که تحت تأثیر جبر زمان تن به خفت مشاغلی این‌چنینی می‌دهند همچون مددکاری اجتماعی ذهن خواننده را به چالش می‌کشد. او پیوسته با یادآوری عزیزان از دست‌رفته‌اش یاد آنان را در دلش زنده نگاه می‌داشت، گویی یاد گذشته‌ی هویت از دست رفته و در حال تغییر آدمی را در عصر تکنولوژی از تندباد فراموشی‌ها در امان نگه می‌دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های ناتورالیستی شعر سیمین ضدیت با باورهای مذهبی است؛ او نیز مانند فروغ در برخی از شعرهای خود بی‌پروا به توصیف هوس‌های زنانه و معشوق خود می‌پردازد. همچنین مخالفت با عقایدی مانند ظهور منجی و مسئله‌ی تقلید در دین از جمله این موارد است که در شعر سیمین دیده می‌شود. سیمین بهیپهانی یکی از اجتماعی‌ترین شاعران روزگار ماست. او معتقد است که یک هنرمند به‌منزله‌ی آینه‌ای است که اوضاع و احوال اجتماع، چون اشعه‌ی گوناگون به آن اصابت می‌کند و مجدداً این اشعه و انوار، انعکاس خود را به محیط پیرامون خود بازمی‌گرداند. سیمین از همان آغاز شاعری، در کنار غزل‌های عاشقانه به مسائل اجتماعی نیز پرداخته است. هرچند اشعار اجتماعی اولیه‌اش، نسبتاً سطحی و فاقد نوآوری و ابداع است، همین اشعار، به تدریج، سیر کمال می‌پوید و در دهه‌ی ۶۰ به پختگی و کمال می‌رسد و با زبانی صریح‌تر و منسجم‌تر به مسائل بیرون از خود می‌پردازد. شعر سیمین با مردم و اجتماع، پیوندی دارد و اشعار او به‌خوبی نشان می‌دهد که تا چه اندازه با دردها و رنج‌های مردم آشنا و شریک است.

در پایان باید گفت دنیای معاصر با پدیده‌های صنعتی و تازه، ویژگی‌هایی به‌کلی متفاوت از گذشته پیدا کرده است، بر همین اساس، شاعرانی که معاصرند و در جهان امروز زندگی می‌کنند به‌جای آنکه از زاویه‌ی نگاه شاعران گذشته به زندگی و مسائل آن نگاه کنند و تصویرهای کهنه را تقلید نمایند، با چشمان خود می‌نگرند و عناصر و ابزار بیانی خود

را از جهان امروز برمی‌گیرند تا فرزند زمان خویشتن باشند. روش سیمین نیز این‌گونه بود که با تحولاتی که در زندگی معاصر روی داده، آرام‌آرام از غزل‌های سنتی فاصله گرفته و جویای تجربه‌های تازه در غزل شده است. او همچنین کوشیده است تا زخم‌ها و دردهای مردم جامعه خود را فریاد بکشد و فرزند زمان خویش باشد. بدون شک بهبهانی «بانوی غزل معاصر» است و هرچه را که با عواطف و دریافت و درک بستگی داشته، با اساس قراردادن ساختار به سهولت در شعرش طرح می‌کند و با نوآوری در شیوه بیان و معنی و کاربرد اوزان نو و کم‌سابقه دست به نوآوری می‌زند و زبان شعرش را مخصوص به خود می‌کند. با نگاهی به اشعار سیمین درمی‌یابیم که وی در دوره‌های مختلف شاعرانه خود رویکردهای مختلف داشته است گاه چهره‌های واقعی اجتماع را درونمایه شعرش کرده و گاه این شیوه را کنار گذاشته و در غزل دست به تجربه زده است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ابومحبوب، احمد. (۱۳۸۲). گهواره سبز افرا، تهران: ثالث.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۸). یاد بعضی نفرات. تهران: نشر البرز.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۲). مجموعه اشعار. چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۹). داستان کوتاه در ایران. تهران: نیلوفر.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۹). بوطیقای ساختارگرا. ترجمه: محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه.
- ثروت، منصور. (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب‌های ادبی، تهران: سخن.
- حسین‌زاده‌بولاقی، شهربانو. (۱۳۸۷). بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر (با تکیه بر آثار پروین، فروغ، سیمین، سپیده کاشانی و طاهره صفارزاده)، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۳). زنی با دامنی شعر. تهران: انتشارات نگاه.
- روب‌گری‌یه، آلن. (۱۳۷۰) داستان نو - انسان طراز نو. ترجمه: محمدتقی غیائی، تهران: انتشارات نیل.
- سیروس، پرهام. (۱۳۶۲). رئالیسم و ضد رئالیسم. تهران: نشر آگاه.
- فورست، لیلیان و پیتر اسکرین. (۱۳۹۴). ناتورالیسم. ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- کادن، ج. ای. (۱۳۸۰). فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد. ترجمه: کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات شادگان.
- محمدی، حسنعلی. (۱۳۷۹). از بهار تا شهریار. چاپ چهارم، تهران: ارغنون.
- ولک، رنه. (۱۳۷۷). تاریخ نقد جدید. جلد چهارم، ترجمه: سعید ارباب‌شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.

مقالات

- ابراهیمی، مختار. (۱۳۹۲). «گرایش فمینیستی در شعر سیمین بهبهانی». فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره شانزدهم. ۶۹-۸۱.
- ارجی، علی‌اصغر. (۱۳۹۰). «از شعر روایی تا روایت شاعرانه». رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره سوم، ۴۱-۳۴.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۱). «مصاحبه». سایت فرهنگی هنری پندار، ۱۳ بهمن ۱۳۸۱.

پاسبان وطن، سمانه؛ رحمانی، اکرم. (۱۳۹۶). دغدغه‌های اجتماعی شعر ابتهاج و بهبهانی». مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، ۳ (۴)، ۷۸-۹۴.

ثروت، منصور. (۱۳۸۶). «مکتب ناتورالیسم». پژوهش‌نامه علوم انسانی شهید بهشتی، ۵۴، ۱۹۶-۱۷۷.

حسن‌لی، کاووس و حیدری، مریم. (۱۳۸۵). «بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۵ (۴۸)، ۸۵-۱۰۰.

شریفیان، مهدی و پوینده‌پور، اعظم. (۱۳۸۹). «ذهن و زبان سیمین بهبهانی». پیک نور علوم انسانی، ۸ (۲) (ویژه زبان و ادبیات فارسی ۵)، ۱۶۴-۱۵۲.

شیرازی، علی‌احمد و دیگران. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی نقد نظام اجتماعی مردسالار در شعر سیمین بهبهانی و فهمیده ریاض، نشریه ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره بیست و چهارم، ۱۳.

صیادچمنی، آرتمیز. (۱۳۹۵). «نگاهی به مکتب ناتورالیسم و بررسی این مکتب در ادبیات معاصر». کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات.

محمدی، احمد؛ اردلانی، حسین. (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی رئالیسم و بازتاب آن در چند تابلو از گوستاو کوربه». مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۵، ۱۵۶-۱۴۱.

هاشمیان، لیلا و پیرحیاتی، زهرا. (۱۳۹۴). «بررسی آرای لوکاچ در زمینه رئالیسم و آگاهی طبقاتی در اشعار سیمین بهبهانی». کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.

پایان‌نامه‌ها

حقی‌پرست پارسا، عاصمه. (۱۳۸۶). «بازتاب مسائل اجتماعی در سروده‌های سیمین بهبهانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.

علی‌میرزایی، زهرا. (۱۳۸۹). «بازتاب مسائل اجتماعی در شعر فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تبریز.